

# مجله مردم‌شناسی

دوره سوم

شش ماهه اول سال ۱۳۳۸

## شرح حالی مختصر از «رایینو»

جناب سید حسن تقی‌زاده بی‌هیچ شائبه اغراق امروز استوارترین رکن علم و فرهنگی ایران و بانفاز از مفاخر نامی این سرزمین است . جناب تقی‌زاده علی‌الاطلاق از کسانی که در طریق علم و ادب سیر میکنند و در دانشجوئی میکوشند تشویق و تحسین و راهنمایی و حمایت میفرمایند . از همین روی مجله مردم‌شناسی نیز مشمول الطاف خاص آن جناب است و ازین که با گرفتاری‌های گوناگونی که دارند چنین مقدمه‌ای متنقن بر مقاله مرحوم رایینو که آخرین نوشته آن مرحوم است مرقوم و مرحمت فرمودند نهایت افتخار و امتنان را داریم .

مجله مردم‌شناسی

مرحوم ه . ل . رایینو پسر رایینوی بزرگ بود که اصلاً ایتالیائی و بعد بتابعیت انگلیس درآمد بود . وی سالیان دراز رئیس بانک شاهنشاهی

ایران (که بانکی انگلیسی بود) در طهران بود. او چند پسر داشت که یکی از آنها تا آنجا که من میدانم در وست مینستر بانک انگلیسی در پاریس مستخدم بود و پسر دیگرش همین ه. ل. راینو بود که در خدمت قونسول دولت انگلیس داخل شد و مدتی (۱۹۰۶ - ۱۹۱۲ مسیحی) ویس قونسول انگلیس در رشت بود. مشارالیه ظاهراً در ایران متولد شده و علاقه زیادی به علوم و آداب و معارف ایرانی داشت. قبلاً چند سال در کرمانشاه مأموریت داشته است. اینجانب در اواخر جمادی الاخر سنه ۱۳۳۶ موقعی که پس از تخریب مجلس و برانداختن مشروطیت و تحصن در سفارت انگلیس با عده ای از مشروطه خواهان بحکم محمدعلی شاه نفی بلد یعنی تبعید بخارج از ایران شدم از طهران برشت و انزلی و باکو و تفریس و وین و پاریس مسافرت کردم در ورود برشت بایاران به قونسولگری انگلیس وارد شدیم. مرحوم راینو دو اطاق خوب و پاکیزه با همه لوازم استراحت برای من و مرحوم معاضد السلطنه (ابوالحسن خان پیرنیا) که او هم از وکلای مجلس بود مهیا ساخته و باختیار ما گذاشت. در آن چند روز که در رشت بودم از فیض صحبت او متمتع بودم. وی فارسی را خوب میدانست و علاقه زیاد بآثار و ادب ایرانی داشت. روزی از من پرسید که آیا شما در ممالک خارجه تحصیل کرده اید جواب نفی دادم پس گفت این حرفهائی که در مجلس میزدید و نطق ها که میکردید و حاوی مطالب و معلوماتی بود از کجا اینهمه معلومات را بدست آورده بودید من گفتم کتاب بسیار خواندم و حافظه خوب دارم. راجع باو و تألیفات او شرح خوبی در دیباچه کتاب «مطبوعات و اشعار ایران معاصر» بقلم مرحوم ادوارد براون نوشته شده است. مرحوم راینو ظاهراً در سنه ۱۹۱۲ مسیحی از رشت به مراکش انتقال داده شد و در آن مملکت نماینده قونسولی انگلیس شد. سالها در آن کشور ماند (ظاهراً تا ۱۹۲۲) و بعدها در قونسولگری انگلیس در از میر مشغول خدمت بود و کتاب معروف خود را با اسم مازندران و استراباد در همانجا در اواخر سنه ۱۹۲۵ مسیحی خاتمه داده است. بعد از این تاریخ من اطلاع مرتبی از زندگی او ندارم جز آنکه چندی در وزارت خارجه انگلیس در لندن کار کرده و مدتی نیز مأمور قونسولگری

انگلیس در نیس (فرانسه) بود و آنجا کاملاً مستقر شده بود تا آنکه در اثنای جنگ اروپا (۱۹۳۹ - ۱۹۴۵ مسیحی) موقعیکه فرانسه بدست مارشال پتن تسلیم آلمان شد و انگلیس ها هم از مملکت فرانسه بیرون رفتند او هم از نیس بلندن رفت و بقیه عمر خود را در آنجا ماند. او از گاهی بگاهی در لندن نزد اینجانب می آمد و من خوشوقتم که وسیله طبع و نشر دو کتاب او شدم که یکی را «سکه ها و نشانهای پادشاهان ایران» بانک ملی ایران بخواهش من چاپ کرد و دیگری را «فهرست نمایندگان سیاسی و قونسولی انگلیس در ایران» باز بخواهش من وزارت امور خارجه ایران طبع کرد.

مرحوم راینو مقالات و رسائل و کتب زیادی نوشته که فهرست قسنتی از آنها تا ۱۹۲۲ مسیحی در آخر کتاب مازندران او (طبع اوقاف گیب) مندرج است. در سالهای آخر توقف من در لندن (تاسن ۱۹۴۷) وی از گاهی بگاهی پیش من می آمد و گاهی سئوالاتی راجع ببعضی فقرات یک کتاب فارسی در موسیقی که نسخه آنرا داشت و قصد نشر آن کتاب را داشت میکرد. نمیدانم عاقبت کار آن کتاب چه شد. مشارالیه قبل از وفات با آقای وحید مازندرانی در موضوع ترجمه فارسی کتاب خودش گاهی مکاتبه داشت و جای خوشوقتی است که آن ترجمه پایان رسیده و بوسیله بنگاه ترجمه و نشر کتب در طهران بطبع رسید. خداوند مرحوم راینو را غریق رحمت گرداند.

سید حسن تقی زاده